کد خبر: ۴۷۹۷۳۶
پنج شنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۲ ۱۲:۲۸

کیومرث پوراحمد قبل از مرگ سنگ قبرش هم انتخاب کرد + عکس

کیومرث پوراحمد کارگردان مشهور سینما و تلویزیون قبل از فوت سنگ مزارش هم انتخاب کرده بود.

به گزارش سایت خبری پرسون، کیومرث پوراحمد هم مانند خیلی از مردم به مرگش اندیشیده بود، اینکه کتاب زندگی‌اش چگونه به پایان می‌رسد. او هم مرگ را ساده می‌پنداشت و هم سنگ قبری به همان سادگی می‌خواست.

این فیلمساز سال‌ها قبل از کوچ بهاری‌اش در کتاب «سنگ قبر» که سال ۹۴ از سوی نشر «رهی» منتشر شده و پرسش‌هایی درباره مرگ را با شخصیت‌های گوناگون مطرح کرده، در پاسخ به پرسشی درباره نگاهش به مرگ نوشته است: «من ۶۵ ساله‌ام. خیلی از دوستانم در این سن و سال یا حتی زودتر دارفانی را وداع گفته‌اند. (راستی این «دارفانی را وداع گفتن» هم از آن جملات شاعرانه آبکی هست ها!) بنابراین اگر همین روزها هم بمیرم، نمی‌توانم طلبکار زندگی باشم. این از این.پ

دلش می‌خواست سنگ قبری ساده داشته باشد؛ با خط خوش نستعلیق اسمش بر آن نقش ببندد و دو تاریخ.

سال‌ها پیش با دوست معقولی نشسته بودیم به گپ و گفت. دوست معقول چند تا سئوال کرد، از این تست‌های روانشناسی که خیلی‌هاش درست هم هست. آخرین سئوالاش این بود که اگر در بیابان برهوتی راه بروی و پیش‌رویت یک دیوار ببینی ، این دیوار چه جور دیواری است؟ گفتم یک دیوار گِلی کوتاه. مطابق آن تست، این دیوار استنباط از مرگ را بیان می‌کرد و معنی‌اش این بود که مرگ را خیلی ساده می‌پذیرم. مثلا اگر به نظرم آن دیوار اگر سنگی و بلند بود، معنی‌اش این می‌شد که مرگ را خیلی سخت می‌پذیرم.»

و او از مرگ نمی‌ترسید. آنچنان که گفته بود: «واقعا از مرگ نمی‌ترسم. البته نگران یکی دو مسئولیت مهم زندگی‌ام هستم و دلم می‌خواهد پیش از مرگ این دو مسئولیت به سرانجام رسانده باشم ولی خب مرگ که خبر نمی‌کند، هرکس هم می‌میرد، لابد مسئولیت‌های ناتمام داشته است. صد البته این توضیح لازم است که از مرگ تدریجی، مرگی که بعد از سکته و بعد از مدت‌ها بستری بودن بیاید، سخت نگرانم!

همیشه گفته‌ام هیچ دوست ندارم مرگم به زندگی دیزالو شود. از تخت و لگن و فس فس و این مقدمات بدجوری بیزار و نگرانم. دوست دارم زندگی‌ام به مرگ کات شود. به قول پدر علیرضا داودنژاد، یک سکته تمیز ! که عاقبت هم با یک سکته تمیز می‌میرد! خوش به حالش! یادم هست مادر رضا کیانیان که فوت کرد بهش زنگ زدم، اولین سئوالم این بود که مادرت چطوری مرد؟ گفت: صبح دلش درد گرفت و ظهر مرد! گفتم خوش به حال مادرت و تو !

به همسرش توصیه کرده بود که سنگ قبرش کوچکترین سنگ قبر موجود باشد و با خط خوش شکسته نستعلیق فقط بنویسد: کیومرث پوراحمد و زیر اسمش دو تا تاریخ ، ۲۵ آذر ماه ۱۳۲۸ و زیر آن هزار و سیصد و فلان فلان. نه یک کلمه کم و نه بیش!

حالا که گویی همه آنچه در سر می‌پروراند، رخ داده است اما تاریخ درگذشتش دیگر هزار و سیصد و فلان نیست و به هزار چهارصد رسیده است و این شاید تنها سرکشی مرگ در زندگی این مرد باشد.

منبع: سلام نو